

در ایران چه می‌گذرد؟

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

مقدمه

رژیم جمهوری اسلامی ایران، در مسیر سراسیمه قرار گرفته است و هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع از سقوط آن، به گورستان تاریخ شود. چرا که این رژیم، در طول ۲۳ سال حاکمیت خود، نه تنها هیچ اقدام موثری در راه رفاه و آسایش مردم ایران، انجام نداده است بلکه بر عکس، زندانی به بزرگی ایران، ساخته است که انگار ساکنان آن، محکوم به تحمل سرکوب، اختناق، تبعیض، ستم، زندان، شکنجه، اعدام، سنگسار، قصاص، ترور و فقر و فلاکت هستند. اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران، زنان، جوانان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان مترقی و همه انسان‌های آزادی‌خواه نمی‌خواهند بیش از این قربانی این رژیم جانی شوند. به همین دلیل این مردم، به پا خاسته‌اند تا با مبارزه اجتماعی و طبقاتی حق و حقوق خود را بگیرند. امروز هیچ گوشه‌ای از ایران نیست که مبارزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن جریان نداشته باشد.

نابرابری و تبعیض و فساد اقتصادی و اجتماعی تمام جامعه ایران را فرا گرفته است. اختلاس و فساد مالی توسط مقامات عالی‌رتبه رژیم و نزدیکانشان به حدی رسیده است که بیش از این پرده پوشی آن‌ها برایشان امکان‌پذیر نیست. در نتیجه قوه قضائیه رژیم مجبور شده است چند نفری از «آفازاده‌ها» و «مقامات» را به دادگاه احضار کند تا بدینوسیله دهان مردم را ببندد. درحالی که مردم آگاه می‌دانند این حرکت قوه قضائیه تنها جنبه نمایشی داشته و اساساً برای سرپوش گذاشتن بر چپاول و دزدی‌های کلان سردمداران صورت می‌گیرد. بر اساس آمارهای رسمی ۸۰ درصد مردم ایران، با مشکلات زیادی زندگی خود را می‌گذرانند. در حالی که ۲۰ درصد از مردم این کشور، آن‌چنان ثروت‌های عظیم به جیب زده‌اند که عمدتاً خانواده مقامات و نزدیکان آن‌ها هستند. اما دستمزد بخور و نمیر کارگری که تنها با فروش نیروی کارش زنده است، پرداخت نمی‌شود.

کمیته‌های اقتصادی و اختناق سیاسی سبب شده است که آسیب‌های اجتماعی نظیر بیکاری، اعتیاد، کودکان خیابانی، بزهکاری کودکان، کودک‌آزاری، تن‌فروشی، خودکشی، دزدی، قتل، فروش کلیه و دیگر ارگان‌های بدن، سراسر کشور را بگیرد. تمام تار و پود رژیم را گروه‌های مافیایی وابسته به سازمان‌ها و گروه‌های رنگارنگ نظیر سازمان اطلاعات، بسیج، سپاه پاسداران، دفاتر امام جمعه‌ها و غیره گرفته‌اند و منظره‌ای که از رژیم جمهوری اسلامی دیده می‌شود یک منظره زشت و متعفن هیولایی هولناک است. این رژیم، مجموعه‌ای از گروه‌های مافیایی و تروریستی است که هدفی جز استثمار وحشیانه و شدید نیروی کار برای کسب سود بیش‌تر، ستم و سرکوب و کشتار چیز دیگری ندارد. برای نمونه بنا به اعتراف مسئولین زندان‌ها، تعداد زندانیان آن‌قدر زیاد است که زندانیان را به شیوه غیرانسانی دسته دسته در اطاق‌ها تنگ و تاریک بدون کم‌ترین امکانات زیستی و بهداشتی قرار داده‌اند اما باز هم زندان‌های موجود کفاف نگاهداری این همه زندانی را ندارد. این وضعیت ناگوار در میان زندانیان باعث شیوع انواع و اقسام بیماری‌های جسمی و روانی و مسری مانند سل و ایدز شده است. مرتضی بختیاری، رییس سازمان زندان‌های کشور، اعتراف می‌کند که زندان‌های موجود حدود ۱۰۰ هزار نفر مازاد را در خود جای داده است.

رژیم، با سیاست‌های تبعیض‌آمیزی که در مناطقی از کشور دنبال می‌کند فقر و فلاکت و محرومیت سرسام‌آوری به بار آورده است. به عنوان مثال بیش‌ترین میزان بیکاری با ۳۱/۵۹ درصد متعلق به استان لرستان است. یا بنا

به آمارهای رسمی ۸۰ درصد فرهنگیان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. سیستان و بلوچستان و کردستان مناطق دیگری از ایران هستند که مردم این مناطق نیز در فقر و محرومیت و گرسنگی و فلاکت زندگی خود را می‌گذرانند.

در چنین شرایطی بحران رژیم، کشمکش جناح‌ها و رقابت‌هایشان بر سر تقسیم قدرت و ثروت به اوج خود رسیده است. اخیراً سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، یکی از سازمان‌های اصلی و مهم جناح «دوم خردادی» به رهبری بهزاد نبوی، به دلیل این که ارگان رسمی سازمانشان، توسط قوه قضائیه تعطیل شده است، زبان اعتراض می‌گشاید و از شکست «اصلاحات» و «ناامید» کردن مردم خبر می‌دهد. معلوم نیست منظور مجاهدین انقلاب اسلامی کدام «اصلاحات» و کدام «امید» است؟ این سازمان که از روزهای اول حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، یکی از سازمان‌های مافیایی کرد به دست درون حاکمیت است تاکنون هیچ اعتراضی به سرکوب سیستماتیک زنان، لغو شکنجه، اعدام و ترور و سانسور نکرده است اما هنگامی که آشی که پخته‌اند دهان خودشان را هم می‌سوزاند داد و فغان‌شان به هوا بر می‌خیزد. طبیعی است که گرگ‌ها هم همدیگر را می‌درند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، یک ماه پیش به وزارت خارجه‌شان انتقاد می‌کرد که چرا با جناح «لیبرال» طالبان تماس نگرفته است. به دلیل این که این جریان خود، جناح «لیبرال» طالبان ایران است. رژیم جمهوری اسلامی با کلیه جناح‌هایش هیچ تفاوتی با طالبان ندارند. به همین دلیل هر گونه حمایت و نزدیکی به یکی از جناح‌های رژیم، به معنی حمایت از طالبان ایران است. تلاش سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، برای این است که منافع اقتصادی و سیاسی خود را در درون حاکمیت از دست ندهد. بنابراین دعوا و کشمکش این‌ها با جناح رقیب‌شان کم‌ترین ربطی به منافع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و آزادی‌های مردم ندارد. مردم باید به نیروی خود اتکا کنند تا با مبارزه‌شان رژیم جمهوری اسلامی را از سر راه رشد و پیشرفت و رفاه و آزادی‌شان بردارند.

روشن است که نه مجاهدین انقلاب اسلامی و نه ۱۷ گروه دیگر موسوم به «دوم خردادی» به رهبری خاتمی رییس جمهور، در طول ۵ سال اخیر که پست‌های مهم و مقام‌های اصلی حاکمیت، یعنی پست ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا و غیره را در اختیار دارند یک کلام از اصلاحات واقعی به زبان نیاورده‌اند. اصلاحاتی نظیر لغو شکنجه، اعدام، سنگسار، قصاص، خاتمه دادن به سرکوب سیستماتیک زنان، تامین امنیت جانی و مالی مردم، آموزش و پرورش و بهداشت رایگان، پرداخت دستمزد کارگران و کارمندان متناسب با تورم، وضعیت ناگوار بازنشستگان، کمک دولتی به خانواده‌های فقیر و غیره انجام نداده‌اند و چنین قصدی هم ندارند. این‌ها کم‌ترین توجهی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی مردم نمی‌کنند. دعوای هر دو جناح رژیم، در اصل دعوایی بر سر تقسیم حاکمیت است اما هنگامی که با اعتراض کارگران و جوانان و زنان و دانشجویان روبه‌رو می‌شوند، دست به دست هم می‌دهند تا با سرکوب خونین معترضین حاکمیت‌شان را نگاه دارند. بنابراین هر گونه حمایت از جناح‌های رژیم، سیاستی به غایت عقب‌مانده و ارتجاعی و اساساً بی‌احترامی بزرگی به همه مردم آزادی‌خواه و سکولار و سوسیالیست، داخل و خارج کشور است.

با نگاهی به گوشه‌هایی از گزارشات رسانه‌های ایران، به سادگی روشن می‌گردد که بحران رژیم و جناح‌هایش، در حال گسترش و عمیق‌تر شدن است. در این میان سیاست اصولی و انسانی سازمان‌دهی سراسری کارگران و تقویت جنبش کارگری و حمایت همه اقشار جامعه که به هر دلیلی حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را حاکمیتی سیاه و توهین به بشریت می‌دانند به حمایت پیگیر از جنبش کارگری برخیزند تا از طریق سازمان‌دهی یک مبارزه طبقاتی سراسری و مداخله‌گر در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بتوانند کل جامعه ایران را از شر و نکبت رژیم جمهوری اسلامی رها سازند و حکومت دل‌خواه خود را به وجود آورند.

اقتصادی

بنا به گزارش تازه‌ترین آمار بانک جهانی، در دهه ۹۰ در کشورهای نظیر الجزایر، مصر، برمه، پاکستان، ونزوئلا

و ایران، درآمد سرانه رو به کاهش نهاده است بر شمار فقرا اضافه شده است.

روزنامه همشهری، در رابطه با اشتغال و درآمد سرانه می‌نویسد: از جمعیت ۶۰ میلیونی ایران، فقط ۱۴/۵ میلیون نفر شاغل هستند. یعنی یک نفر کار می‌کند تا بیش از سه نفر امکان معیشت و گذران زندگی را داشته باشند. این در شرایطی است که در مقایسه درآمد سرانه کشور ما با سایر کشورها، میانگین مبلغ دریافتی هر فرد شاغل در ایران فقط معیشت ۱/۲ نفر تامین می‌کند و نه ۳/۲ نفر را... مطابق آمارهای موجود یک فرد آلمانی سالانه بین ۲۰ تا ۳۰ هزار دلار درآمد دارد و اگر در یک خانواده دو نفر مشغول کار باشند. این خانوار سالانه بین ۶۰ تا ۷۰ هزار دلار درآمد دارد که بین سه نفر تقسیم می‌شود اما در ایران و طبق برآورد بانک مرکزی درآمد سالانه یک ایرانی ۱۰۵۰ دلار است که این رقم بین ۵ نفر تقسیم می‌شود... (روزنامه همشهری، ۱۶ آذر ۱۳۸۰)

به گزارش اداره کل بانک مرکزی، متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرف (شاخص تورم) در هفت ماه اول سال جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۱/۵ درصد افزایش یافته است. میانگین شاخص مزبور در دوازده ماه منتهی به مهر ماه ۱۳۸۰ نسبت به دوازده ماه منتهی به مهر ماه ۱۳۷۹ معادل ۱۱/۷ درصد افزایش نشان می‌دهد... شاخص بهای گروه مسکن، سوخت و روشنایی در مقایسه با ماه قبل مشابه در سال قبل ۱۷/۸ درصد افزایش یافته است... در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، شاخص بهای گروه درمان و بهداشت ۱۵/۱ درصد افزایش یافته است. در ماه بررسی شاخص بهای گروه تفریح، تحصیل و مطالعه نسبت به ماه قبل از افزایش چشمگیری معادل ۱۷/۵ درصد قرار داشت. این افزایش تماما تحت تاثیر بالا رفتن شاخص بهای گروه تحصیل و مطالعه معادل ۲۷/۸ درصد قرار داشت. در گروه فوق، عامل اصلی افزایش، بالا رفتن بهای شهریه دانشگاه‌ها معادل ۵۰/۰ درصد بوده است. ضمناً افزایش شهریه مدارس غیرانتفاعی معادل ۱۵/۴ درصد و کتاب‌های درسی مدارس ۸/۴ درصد قابل ذکر می‌باشد. در مقایسه با ماه مشابه سال قبل شاخص بهای گروه تفریح، تحصیل و مطالعه ۲۵/۲ درصد افزایش داشته است... (روزنامه رسالت، ۲۳ آذر ۱۳۸۰)

عباسعلی علیزاده رییس دادگستری تهران در حسینیه درویش دماوند، تصریح کرد: پس از ماه رمضان به جرایم مفسدان اقتصادی که بسیاری از آنان مسئولان کشور یا فرزندان آنان هستند، به طور علنی رسیدگی خواهد شد. وی همچنین اعلام داشت: تاکنون ۶۰ پرونده در مجتمع رسیدگی به جرایم اقتصادی به ثبت رسیده که از این تعداد ۴۰ پرونده بسیار مهم است و تحقیقات و بازجویی درباره ۲۰ پرونده مراحل نهایی خود را طی می‌کند و در روزهای آتی محاکمه آن‌ها به صورت علنی آغاز خواهد شد. علیزاده در باره یکی از متهمان گفت: یکی از متهمان پرونده‌های جرایم اقتصادی از سن کمی برخوردار است و با توجه به ثروت کلانی که به دست آورده است تحقیقات در باره او به درازا خواهد کشید و پس از تحقیقات لازم محاکمه خواهد شد... وی گفت: متأسفانه مقدار پول‌هایی که هر یک از این افراد جمع‌آوری کرده‌اند فوق‌العاده کلان است اما فعلاً توانسته‌ایم ۴۸ میلیارد تومان از این مبالغ را از آن‌ها اخذ کنیم... وی برداشت‌های غیرقانونی از بیت‌المال تحت عنوان وام‌های گزاف را از نمونه‌های بارز مفساد اقتصادی برخی از مسئولان ذکر و مبالغ آن را در حد چندین میلیارد تومان توصیف کرد... وی سپس به مورد دیگری از تخلف اقتصادی اشاره کرد و توضیح داد: یک نفر که در سال ۷۶ تحصیلات را کنار گذاشت و به تجارت روی آورد ظرف چهار سال ۴۸ میلیارد تومان ثروت اندوخته است و همین شخص حدود ۶۰ میلیارد تومان از بانک‌ها وام گرفته است و تنها یک میلیارد و ۶۵۰ تومان به شخصیت‌های مختلف اهدا کرده است... (حیات نو، ۲۳ آذر ۱۳۸۰)

علیزاده بخشش دو میلیارد تومان از سوی بانک ملی در دوبی را به یک تاجر با وساطت سفیر وقت اشاره کرد و گفت: وقتی از مسئولان بانک مرکزی در این باره سؤال کردیم که چرا بخشش کردید، گفتند که از اختیارات ماست. (روزنامه آفتاب، ۲۲ آذر ۱۳۸۰)

مشاور مدیر آموزش و پرورش خراسان در ششمین جشنواره خیریه مدرسه ساز شمال خراسان گفت: استان خراسان با

کمبود ۲۰ هزار کلاس درس برای سال تحصیلی آینده مواجه است... در سال ۱۳۷۹، ۲۳۱ پروژه مدرسه سازی در خراسان به بهره برداری رسیده و تحویل آموزش و پرورش استان شده است. به گفته وی، ۹۰ درصد از این پروژه ها توسط مردم اجرا شده است. (خبرگزاری دانشجویان ایران، مشهد، ۲۰ آذر ۱۳۸۰)

اعتبارات تخصیص یافته به امر تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی برای سال ۱۳۸۰، نسبت به سال ۱۳۶۸، به نصف تقلیل یافته است... (۲۰ آذر ۱۳۸۰، روزنامه کیهان)

یک ممیز اداره دارایی استان لرستان که با سندسازی و جعل اسناد، ۱۳۹ میلیون ریال اختلاس کرده بود، شناسایی و به مراجع قضایی معرفی شد. (روزنامه کیهان، ۲۲ آذر ۱۳۸۰)

یک مدیر وزارت بازرگانی، به اتهام تخلفات مالی و دریافت ۴۰۰ میلیون رشوه دستگیر شده است. (روزنامه قدس، ۲۷ آذر ۱۳۸۰)

جنبش کارگری

صبح دیروز کارگران شرکت معادن فاریاب، جاده بین المللی بندر عباس - کرمان را در کیلومتر ۱۲ کهنوج رودان مسدود کردند. کارگران معترض این شرکت با تجمع در جاده مذکور با استفاده از یک دستگاه لودر در اعتراض به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق خود اقدام به ایجاد خاکریز کرده و از عبور و مرور وسائط نقلیه نیز جلوگیری کردند. به دنبال این اقدام اعتراض آمیز ۱۸۰۰ کارگر شرکت معادن فاریاب «تاجیک» فرماندار شهرستان کهنوج با حضور در جمع کارگران معترض از آنان خواست تا جاده را باز کنند. وی قول داد چنانچه کارگران با این خواسته موافقت کنند تا ۴۸ ساعت آینده حقوق نامبردگان پرداخت خواهد شد... آنان اظهار داشتند ناتوانی هیات مدیره شرکت و عملی نشدن قول دولت مایه تاسف است. حداقل ۵ وزیر و رئیس جمهور مصوبه کمیته بحران شرکت را امضا کرده اند. گفتنی است: دیشب نیز مسیر مذکور همچنان توسط کارگران معادن فاریاب مسدود بود و وسائط نقلیه به ویژه کامیون هایی که به سمت مرز مسیر جاده و بالعکس در حرکت هستند، با مشکلات جدی رو به رو بودند. منابع کارگری از آماده باش و اعزام نیروهای ضدشورش به منطقه خبر داده اند. تاکنون پیگیری جهت دسترسی به مدیران مربوط بی نتیجه بوده است. همچنین «خالقی» عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی، یکی از اعضای هیات مدیره شرکت معادن فاریاب است.

بنا به گزارش صبح امروز خبرنگار ما از رودان، راه مسدود شده توسط کارگران معادن فاریاب هنوز باز نشده و بیش از ۲۰۰ تا ۳۰۰ کامیون حامل بار در دو طرف جاده مسدود شده سرگردان و در انتظار باز شدن مسیر جاده هستند ضمناً نیروهای ضدشورش صبح امروز در محل تجمع کارگران حاضر شدند و بنا به گفته برخی، یکی از کارگران شرکت فاریاب به نام علی عزیزی نیز امروز به خاطر مشکلات مالی با بالا رفتن از تیر برق و اتصال خود به سیم خودکشی کرده است. (روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۸۰)

نمایندگان ۱۳۰۰ نفر از کارگران بارش اصفهان، در مقابل مجلس شورای اسلامی تحصن کردند. نماینده کارگران کارخانه بارش اصفهان گفت: ... هفت ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند و هر گاه احقاق حق کرده اند آنان را به وسیله نیروی انتظامی منکوب و سرکوب کرده اند. نماینده کارگران بارش همچنین گفت: از روز یکشنبه ۵۰ نفر به نمایندگی از کل کارگران به تهران اعزام و ضمن تحصن در مقابل مجلس و احقاق حق از عملکرد نیروی انتظامی اصفهان که به دستور وزارت کشور، کارگران این کارخانه را منکوب کردند، دست به اعتراض زده ایم که هنوز ادامه دارد. (روزنامه کیهان، یکشنبه ۱۸ آذر ۱۳۸۰)

۴۷ واحد نساجی در استان یزد، به دلیل فرسودگی و قدیمی بودن دستگاه های بافندگی و عدم توان رقابت در بازارهای جهانی تعطیل شده است. رئیس صنایع و معادن استان، با اعلام این مطلب گفت: در ۴۳۳ واحد نساجی استان حدود ۲۳ هزار نفر مشغول به کار هستند که ۴۹/۵ درصد این تعداد را شاغلان استان تشکیل می دهند. حدود ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه تعطیل شده پارچه بافی «شهید فرصتیان» شیراز، صبح امروز در مقابل

ساختمان استانداری استان فارس، تجمع کرده و خواستار احقاق حقوق قانونی خود شدند. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران، کارگران تجمع کننده ابراز داشتند: ۴ سال است که کارخانه را به دلیل ورشکستگی تعطیل کرده اما هیچکدام از حقوق قانونی ما را پرداخت نکرده اند... بر اساس گزارش ایسنا، تجمع کنندگان راه عبور و مرور وسائط نقلیه را مسدود کرده و یگان نیروی انتظامی در حالی که زنان متحصن راه آنان را مسدود کرده بودند، قصد عبور از میان آن‌ها را داشته که موفق نشدند. (۲۲ خبرگزاری ایسنا آذر ۱۳۸۰)

جمعی از کارگران کارخانجات ریسندگی و بافندگی بارش با حضور در محل خبرگزاری دانشجویان ایران، ضمن توضیح مشکلات خود و همچنین اقدامات سرکوبگرانه نیروهای انتظامی، خواهان رسیدگی به این مشکلات و پرداخت ۷ ماه حقوق معوقه خود شدند. کارگران گفتند: ما ۶۰ نفر هستیم که ۱۲ روز است به تهران آمده ایم و ۱۲ روز است که پشت مجلس می‌نشینیم ولی هیچ خبری برای حل مشکل ما نشده است. (اسنا، ۲۴ آذر ۱۳۸۰)

جنبش دانشجویی

کانون مستقل دانشجویان تبریز (در حال تاسیس) با انتشار اطلاعیه‌ای در رابطه با برخورد مقامات رژیم، با حادثه ۲۰ تیر ماه ۱۳۷۸، در دانشگاه تبریز نوشت: هیچ کس به بررسی ابعاد فاجعه نپرداخت و حتی هیچ کمیته دانشجویی همانند کمیته‌ای که در قضایای تهران شکل گرفت، به وجود نیامد. شنیده‌های بسیاری وجود دارد که می‌بایست در این کمیته دانشجویی بررسی و صحت و سقم آن معلوم گردد. از جمله مفقود الاثرها و رفتارهای اهانت آمیزی که با دختران دانشجو شده و برنامه ریزی چپ و راست در شکل‌گیری حادثه و فرا افکنی چپ و راست. در جریان دانشگاه‌های تبریز و تهران حقایق آشکار گردید که پیش از آن به صورت عریان مشاهده نشده بود... ما این رفتارها را در مرحله قبل از دستگیری و در مرحله دستگیری و بعد از دستگیری و رسیدگی قضایی مشاهده کردیم. محاکمات فله‌ای و فرمایشی، بدون امکان موثر و آزادانه، موضوعی بود که هم در تهران و هم در تبریز شاهد بودیم و اکنون نیز تعدادی از این عزیزان دانشجو در زندان هستند. اکبر باطبی به جرم عکسی که یک خبرنگار از او گرفته است، برادران محمدی بدون برگزاری یک دادگاه عادلانه (البته دادگاه صوری بوده است همان‌طور که در تبریز هم بود) به همراه تعداد دیگری از دانشجویان در زندان به سر می‌برند و نیز در جریان محاکمات دانشجویانی که آزاد شده‌اند (برائت یافته - محکومیت کشیده و عفو شده) مشاهده شده است... اکنون دانشگاهیان بیش از هر زمان احتیاج به جنبش فراگیر دموکراتیک در کلیه لایه‌های علمی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی و رفاهی و سیاسی اقشار دانشگاهی، جهت تعقیب و اجرای حقوق بشر که جزو ابتدایی‌ترین در کلیه شئون اجتماعی و سیاسی برای قانونی شدن رفتارهای مسئولین دارند. این بیانیه تاکید می‌کند: به مقامات عالی استان و ائمه جمعه و مسئولین انتظامی و امنیتی خصوصا بسیج سپاه پاسداران و بسیج دانشجویی و نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه تبریز و دیگر تشکلهای اسلامی و کسانی که در بیانیه مشترک علیه کانون سم‌پاشی نموده و دروغ‌پردازی نموده‌اند، اعلام می‌کنیم، همان‌طور که خود می‌دانید، گر چه دیدگاه ما با دیدگاه شما متفاوت بوده و باورهای ما با باورهای شما یکی نیست و تا پای جان آماده جانفشانی برای تحقق حقوق بشر و دموکراسی در ایران هستیم...

به گزارش ایسنا، اکبر عطری در تجمع دانشجویی ۱۶ آذر، در دانشگاه چمران، با انتقاد از عملکرد دولت، از آقای خاتمی، خواست که درباره عملکرد خود در پنج سال گذشته در جهت پیشبرد اصلاحات توضیح دهد. وی به ادامه بازداشت دانشجویان اعتراض کرد و خواستار آزادی فوری این زندانیان شد.

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، با صدور اطلاعیه‌ای، گزارشی از وضعیت برخی از زندانیان سیاسی منتشر کرد. در اطلاعیه آمده است: محسن صادقی و کیانوش سنجری دو عضو بازداشت شده جبهه دموکراتیک ایران، در مکانی نامعلوم در بازداشت به سر می‌برند. سازمان زندان‌های تهران از منوچهر محمدی به دلیل اخلاف

در نظم زندان شکایت کرده است. گفته می‌شود این شکایت به اعتصاب غذای برادران محمدی‌ها و برخی اعتراضات آن‌ها در زندان مربوط می‌شود. مسئولین زندان اوین از سیدمحمدعلی نژادالحسنی، درخواست کرده‌اند در قبال امکاناتی که جهت مداوای به وی می‌دهند، اعتصاب غذای خود را بشکنند...

زندان و اعدام

مرتضی بختیاری، رییس سازمان زندان‌های کشور، در مورد افزایش زندانیان کشور گفت: تعداد زندانیان در شش ماهه نخست امسال (۱۳۸۰) نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۵ درصد افزایش داشته است. بر اساس آمار، ورودی زندانی در کل کشور، در سال گذشته، ۶۰۰ هزار نفر بوده است. بختیاری، بر اساس آخرین آمار اعلام کرد که ۱۶۶ هزار و ۴۹۵ زندانی در کشور وجود دارد که از این تعداد ۵ هزار و ۳۰۰ نفر زن هستند. وی بر اساس آمار ارائه شده گفت که زندان‌های موجود حدود ۱۰۰ هزار زندانی مازاد را در خود جای داده است... از تعداد کل زندانیان همچنین ۴ هزار و ۸۰۰ زندانی زیر ۱۸ سال در کانون‌های اصلاح و تربیت و مکان‌های ویژه نوجوانان بزهکار نگهداری می‌شوند. بختیاری می‌گوید، طبق شواهد موجود از تعداد کل زندانیان ذکر شده، ۱۰۸ هزار نفر دارای خانواده هستند، یعنی این خانواده‌ها به دلیل در بند بودن نان‌آورشان با مشکل معیشت مواجه هستند. به گفته بختیاری، مجازات ۳۰۰ عنوان از جرم‌ها در این قوانین، حبس است. (روزنامه نوروز، ۱۹ آذر ۱۳۸۰)

روزنامه ایران امروز، روز دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۸۰، خبر داد که اعضای یک خانواده به جرم «کیف قاپی» به اعدام محکوم شدند. مرتضی معروف، غلامرضا معروف، حسین معروف، سهراب معروف، رضا معروف، مجید معروف، عباس معروف، اکبر معروف، احمد معروف، ناصر معروف، و محمود معروف، توسط دادگاهی در تهران به اعدام محکوم شدند. دادگاه عمومی مشهد دو تن را به اتهام سرقت مفسد فی الارض شناخت و به اعدام محکوم کرد. (روزنامه کیهان، ۱۲ آذر ۱۳۸۰) جوانی به نام امید در تهران، به اعدام محکوم شد. (روزنامه آفرینش، ۱۴ آبان ۱۳۸۰) رییس دادگستری کرمان اعلام کرد که دو مرد که از «عوامل ناامنی اخیر» در شهر کرمان بودند، در ملاء عام به دار آویخته خواهند شد.

زنی به نام عاطفه، به «۹۹ ضربه شلاق تعزیری» محکوم شد. (روزنامه نوروز، ۱۹ آذر ۱۳۸۰) یک دختر ۱۷ ساله به ۴۰ ضربه شلاق به خاطر «تغییر قیافه و تراشیدن مو» محکوم شد. (روزنامه قدس، ۲۰ آذر ۱۳۸۰) شش قاچاقچی که به اتهام توزیع گسترده هروئین در خاک سفید تهران، دستگیر و به اعدام محکوم شده بودند، با تایید حکم صادره از سوی دیوان عالی کشور به زودی اعدام می‌شوند. (روزنامه قدس، ۲۱ آذر ۱۳۸۰) چهار نفر قاتل که حکم قصاص نفس آن‌ها از سوی دیوان عالی کشور تایید شده است، بعد از عید فطر در زندان قصر به دار آویخته می‌شوند. به گزارش خبرنگار ما این قاتلان که مهدی، امیر، علی امیری و محمد لشکری نام دارند هر یک در نزاع یک نفر را به قتل رسانده‌اند. (روزنامه قدس، ۲۱ آذر ۱۳۸۰)

عبداله رمضان‌زاده، دبیر هیات دولت، به حکم شعبه ۱۴۰۳ مجتمع قضایی جرایم کارکنان دولت به شش ماه حبس تعزیری محکوم شد. یک منبع آگاه با اعلام این خبر به خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: این حکم بنا به شکایت شورای نگهبان به هنگام ابطال انتخابات سقز و بانه صادر شده است. (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۴ آذر ۱۳۸۰)

محمد کاظمی، نماینده ملایر در مجلس شورای اسلامی، گفت: بیش از ۶۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دادگاه احضار شده‌اند. (ایسنا، ۲۷ آذر ۱۳۸۰)

آدم ربایی

همزمان با سومین سالگرد قتل‌های فجیع و پی‌درپی روشنفکران و سیاسیون سرشناس که کل جامعه ایران را

تکان داده بود، سیامک پورزند، خبرنگار ۷۲ ساله، توسط عوامل اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی ربوده شده است. پورزند از روزنامه نگاران قدیمی و همسر خانم مهرانگیز کار است. مهرانگیز کار حقوقدان و نویسنده، به دلیل شرکت در کنفرانس برلین مدتی زندانی شد که هم اکنون برای معالجه در آمریکا به سر می برد. مقامات قضایی و وزارت اطلاعات تاکنون در مورد دستگیری احتمالی پورزند، سکوت کرده اند.

سازمان خبرنگاران بدون مرز، در ارتباط با موج فشارهای تازه علیه روزنامه نگاران و مطبوعات در ایران، در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۸۰ اطلاعیه ای را منتشر کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: ... در ایران همچنان دستگیری غیر موجه روزنامه نگاران ادامه دارد. سیامک پورزند ۷۰ ساله، که از بیماری دیابت و قلب رنج می برد، از تاریخ ۲۴ نوامبر ناپدید شده است. این روزنامه نگار قدیمی ایران، در هفته های اخیر با رادیوهای مخالفان ایرانی در آمریکا، چند مصاحبه کرده است سازمان عفو بین الملل ناپدید شدن این روزنامه نگار را در ارتباط با مواضع وی به عنوان ریاست مجمع فرهنگی - هنری تهران اعلام کرده است.

تشدید سانسور و اختناق

عباسعلی علیزاده، رییس دادگستری تهران، گفت: یکی از بزرگ ترین افتخارات ما بستن مطبوعات مختلف بوده است. تومارهای تشکرآمیز زیادی در این خصوص از طرف خانواده های شهدا، علما و امت حزب الله، برای ما ارسال شده است. وی با بیان این که عده ای هم با این اقدام مخالفت کرده اند گفت: با ارزیابی که صورت دادیم به این نتیجه رسیدیم که با این کار، بزرگ ترین خدمت را به مردم کرده ایم... (روزنامه آفتاب، ۲۲ آذر ۱۳۸۰)

شعبان شهیدی مودب، معاون مطبوعاتی و تبلیغاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، روز یکشنبه ۱۸ آذر ۱۳۸۰، در جمع خبرنگاران گفت: از ابتدای سال ۱۳۷۹ تا امروز، ۵۶ نشریه توقیف شده است که ۲۴ مورد از آن ها روزنامه بوده است. از این تعداد ۱۰ نشریه در سال ۸۰ توقیف شد که چهار مورد آن ها را هیات نظارت به دادگاه فرستاده و توقیف شده اند و شش نشریه را هم خود دادگاه توقیف کرده است.

دادگستری زنجان با صدور حکمی رییس شورای نویسندگان هفته نامه «امید زنجان» را محکوم کرد. در این حکم عباس راشاد، به تحمل ۳۰ ضربه شلاق (قابل تبدیل به ۸۰۰ هزار ریال جریمه)، یک میلیون ریال جریمه نقدی و سه سال ممنوعیت از فعالیت های مطبوعاتی محکوم شده است. (روزنامه همشهری، ۱۹ آذر ۱۳۸۰)

محمود مژدهی دبیر و حمید جعفری عضو سابق شورای مرکزی انجمن اسلامی، توسط رییس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه کارکنان دولت، به ۳ و ۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند. محمد مژدهی و حمید جعفری اردیبهشت ماه امسال در پی چاپ داستان کوتاهی در نشریه دانشجویی کویر، توسط این دادگاه بازداشت شدند. پس از سپری شدن ۷ ماه از بازداشت ماه گذشته، جلسه دادگاه این افراد تشکیل شد و خبر مذکور روز گذشته توسط خانواده محمود مژدهی به انجمن رسید. حسن ملوندی مسئول روابط عمومی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید رجایی در ادامه گفت و گو با خبرنگار ایسنا، اظهار داشت: ما قبلا از طرف انجمن های اسلامی دانشجویان طی نامه هایی به کمیسیون اصل ۹۰ و کمیسیون حقوق بشر اسلامی، اعتراض خود را به روند پیگیری پرونده اعلام کرده بودیم. ولی متأسفانه هیچ گونه اقدامی از طرف ایشان صورت نگرفت.» (ایسنا، ۲۲ آذر ۱۳۸۰)

مدیر مسئول نشریه «ندای هرمزگان»، چاپ بندرعباس (جنوب ایران) گفت، از طریق یک نشریه محلی مطلع شدم که به ۱۵ میلیون ریال جزای نقدی و ۵ سال حبس تعلیقی محکوم شده ام... مدیر مسئول این نشریه افزود، تا امروز حکم دادگاه به دست وی و یا وکیلش نرسیده است. (ایرنا، ۲۲ آذر ۱۳۸۰)

زهرا آوجیان، عضو سابق شورای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان و مدیر مسئول نشریه دانشجویی «بعد از سلام»، از ضرب و شتم خود توسط افراد ناشناس خبر داد... وی افزود: ... سر کوچه با صدایی که می گفت خانم بایست! متوقف شدم؛ تا خواستم برگردم یکی از دو ناشناس به سراغم آمد و مرا به سمت دیوار هل داد و گفت: حسابت را می رسیم. بلافاصله پا به فرار گذاشتم. آوجیان گفت: آن روز به

به هر صورت موفق به فرار شدم، ولی روز بعد (دیروز) وقتی ساعت ۱۱/۵ از دانشکده پیاده به منزل می‌آمدم، احساس کردم باز هم سایه به سایه تعقیب می‌کنند، فکر کردم شاید از این ولگردهای خیابانی باشند، تا برگشتم نگاه کنم، یکی از آن‌ها به سراغ من آمد. گفتم آقا من کاری با شما ندارم، گفتند ولی ما با شما کار داریم، گفتم به چه علت؟ یکی از آن دو نفر با عصبانیت گفت: اگر دست از این کارهایت برنداری با همین شیشه اسید صورتت را جمع می‌کنیم و مرا هل دادند توی چمن‌ها و تمام لباس‌هایم گلی شد. آوجیان ادامه داد: با شنیدن حرف شیشه اسید با وحشت بلند شدم و پا به فرار گذاشتم. وقتی به در خانه رسیدم مرتب با سنگ به شیشه می‌زدم که دوستانم بیرون آمدند و ناشناسان که در ظاهر شبیه کسانی که به تجمعات دانشجویی ما حمله می‌کردند بودند، برگشتند ولی گفتند که حتما ما برمی‌گردیم. (خبرگزاری دانشجویان، همدان، ۲۲ آذر ۱۳۸۰)

به حکم دادگاه مطبوعات، امتیاز هفته نامه «عصر ما» ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران لغو گردید و محمد سلامتی مدیر مسئول آن به ۲۶ ماه حبس محکوم گردید. (خبرگزاری ایسنا، ۲۳ آذر ۱۳۸۰)

روزنامه دانشجویی «طنز دلگشا»، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، به دلیل چاپ کاریکاتوری از دکتر جاسبی، رییس دانشگاه آزاد اسلامی و مهندس عسگری، رییس دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، چند ساعت پس از انتشار، توقیف شد. (روزنامه ایران، ۲۶ آذر ۱۳۸۰)

مدیر مسئول هفته نامه «شمس تبریزی» بر اساس ۱۷ مورد شکایت مدعی‌العموم دادگستری استان آذربایجان شرقی، با قرار وثیقه یک میلیون تومان روانه زندان شد. رییس دادگستری شهرستان تبریز، به عنوان مدعی‌العموم ۱۷ مورد شکایت، چند شاکی خصوصی و حقوقی نیز از مدیر مسئول «شمس تبریزی» به اتهام توهین و اهانت به مقدسات، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی شکایت کرده‌اند. (روزنامه ایران، ۲۶ آذر ۱۳۸۰)

نتیجه‌گیری

آنچه که در بالا به آن‌ها اشاره شد تنها گوشه‌هایی از جنگ نابرابر رژیم علیه مردم حق طلب و آزادی خواه است که برای دستیابی به آزادی و برابری و خاتمه دادن به هر گونه بی‌حقوقی مبارزه می‌کنند. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، از گسترش اعتصاب کارگران و اعتراض جوانان در خیابان‌ها و در مقابل اماکن و ادارات رسمی، به شدت نگران و به پرت و پلاگویی افتاده‌اند؛ سعی دارند با آفریدن رعب و وحشت جلو اعتراضات خیابانی را بگیرند. چندی پیش خاتمی، جوانان معترض را «اراذل و اوباش و معتاد» نامید. اکنون نیز عباسعلی علیزاده، رییس دادگستری تهران، اظهارات رییس جمهورش را تکرار می‌کند. روزنامه آفتاب، در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۸۰ نوشت: علیزاده با بیان این که به ضابطین دستور داده شد تا با مجرمان خیابانی نظیر دزد، چاقوکش و لات، با ابهت و قاطعیت برخورد شود، گفت: این قاطعیت نشان‌دهنده عظمت و قدرت نظام است و موجب عبرت دیگران خواهد شد. وی متذکر شد، بسیج و نیروی انتظامی باید قدرت خود را نشان دهند. چرا که آن قدرت و اقتدار مال آن‌ها نیست بلکه مال نظام است.

در کشوری که میلیون‌ها انسان بیکار هستند. اکثریت مردم این کشور، قادر به تامین زندگی خود و خانواده‌شان نیستند. در حالی که اقلیتی ثروت‌های باد آورده میلیاردی به جیب زده‌اند. از سوی دیگر سالانه ۸۰۰ هزار تا یک میلیون نفر به نیروی کار جمعیت فعال آن اضافه می‌شود رژیم، نه تنها کم‌ترین احساس مسئولیت انسانی و اجتماعی در قبال نیازهای جوانان نمی‌کند، بلکه با سرکوب، زندان و شکنجه و اعدام می‌خواهد آنان را وادار به سکوت نماید، چه باید بکنند؟! عوامل و جناح‌های رژیم، در اثر رقابت و کشمکش‌های خود گوشه‌هایی از فقر و فلاکت مردم را منعکس می‌کنند و هر کدام گناه را به گردن دیگری می‌اندازند. برای مثال اخیرا تلویزیون رژیم جمهوری اسلامی، برنامه‌ای را تحت عنوان «در همین نزدیکی» پخش کرد. در این برنامه زندگی یک خانواده ۶ نفری که در نهایت فقر و بدبختی با مادری فلج در زیر سقفی مخروبه زندگی می‌کنند را به نمایش گذاشت. روزنامه رسالت، در شماره ۲۱ آذر خود، در مورد این برنامه اقرار می‌کند که پخش این برنامه دل میلیون‌ها

مسلمان را لرزاند. این روزنامه سؤال می‌کند: سهم آن خانواده فقیر از بودجه ۴۲۴ میلیاردی سال ۸۰ بودجه کل کشور چقدر است؟ چرا باید در بودجه احزاب و سیاسیون ۵۰ میلیارد برای خودشان اختصاص دهند و...
اساساً مسائل و معضلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بازگو کننده این واقعیت غیر قابل انکار است که تصور «اصلاحات» در حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، توهم و خوش خیالی و دل مشغولی بیش نیست. مسئله اساسی این است که در حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، میلیون‌ها انسان، فقط برای سیر کردن شکم خود و فرزندانشان، با مرگ و زندگی دست پنجه نرم می‌کنند. این مردم چند سال و چند دهه باید در این جهنم بسوزند و بسازند تا بلکه روزی «دوم خردادی»ها «اصلاحاتی» انجام دهند؟ مردم سؤال می‌کنند: در این ۲۳ سال و دورانی که رژیم، حتا مشکلات امروز را هم نداشت چه اقداماتی در راه بهبود زیست و زندگی مردم انجام داده است که بعد از این هم انجام بدهد؟ واقعا این رژیم، در طول حاکمیت خود، تمام ظرفیت‌های غیرانسانی خود را در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به راه انداخته است تا مردم معترض را سرکوب کند. اما در این راه موفق نبوده است و هر روز که می‌گذرد دامنه اعتراضات توده‌های مردم، ابعاد گسترده‌ای به خود می‌گیرد. روزی نیست که صدای اعتراض و اعتصابی در گوشه‌ای از این کشور پهناور در کاخ‌ها، دانشگاه‌ها، خیابان‌ها و مناطق فقیر نشین شهرها شنیده نشود.
کارگران و مردم محروم و تحت ستم و آزادی خواه، در حال سراسری کردن مبارزه طبقاتی‌شان هستند تا حق و حقوق خود را از حلقوم سرمایه‌داران و رژیم‌شان بیرون بکشند. بنابراین حمایت و پشتیبانی از جنبش کارگری و سوسیالیستی و تقویت مبارزه مردم آزادی خواه، وظیفه همه انسان‌هایی است که بی حقوقی، نابرابری، تحقیر و توهین، استثمار، فقر و فلاکت، زندان، شکنجه، اعدام، ترور، سانسور و اختناق را شایسته هیچ انسانی در هیچ نکته‌ای از جهان نمی‌داند.

۱۸ دسامبر ۲۰۰۱